

باغ‌های خیال در مینیاتورهای ایرانی

سید محمود افتخاری

باغ ایرانی، نقش زیبا و دل‌انگیز و رازآمیزی از جهان‌نگری ایرانی است.

باغ در فرهنگ کهن و معنوی ما، تجلی‌گاه یکی از دلنشین‌ترین چشم‌اندازهای پیوستگی و ارتباط بین انسان و طبیعت است. ارتباطی که از منظر و دیدگاه عارفانه نگرش ایرانیان به جهان هستی مایه می‌گیرد. بنابراین باغ ایرانی بخشی از هویت فرهنگی ایران زمین است.

باغ ایرانی حاصل شعور و ذوق‌آفرینی آرمانی مردمی است که با شعور مکاشفه در پی وحدت درون و برون هستند. پس باغ تظاهر عالی‌ترین مرتبه تعالی و یگانگی حس و حال درونی و بیرونی ماست و نماد شادی و طراوت روح و جان ما محسوب می‌شود.

باغ در تفکرات ایرانی می‌تواند تمثیل قطعه‌ای از بهشت، باغ بهشت، باشد. بهشتی که از اسطوره‌های کهن دینی و ادیان آسمانی متولد شده است.

ایجاد مکان و فضای بهشت‌گونه در باغ‌سازی نخستین انگیزه ایرانیان در طراحی پردیس‌ها محسوب می‌شود، فضایی که با گل و گیاه و درخت و سبزه و آب سرشار از شادابی و احساس زندگی و زنده بودن است.

باغ در ادبیات عرفانی و کلاسیک ایران نیز جایگاه و منزلتی رؤیایی و آسمانی داشته و تمثیل مکانی فرخ‌بخش و روح‌بخش و پر طراوت برای زیستن آدمی است و سرانجام باغ ایرانی مکانی بی‌انتهاست برای اندیشیدن و مکاشفه.

مینیاتور و باغ ملکوت

مینیاتور ایرانی عالم خیال ناب است. جادوی جاودانه نقش و رنگ است. افسون قلم است بر پرتیان کاغذ. دریچه‌ای است گشوده به باغهای بی‌انتهای خیال. مکاشفه حس و حال هنرمند است برای درک و شهود معنویت ناپیدا و رازآمیز جهان هستی. و سرانجام مینیاتور ایرانی ذات اندیشه‌های پاک و عارفانه انسانی است که توانسته است بینش معنوی و اشراق اندیشه را به نمایش درآورد. پس مینیاتور یعنی انعکاس شگفت‌انگیز و سکرآور عوالم (لاهوئی و ناسوتی) بر صفحه‌ای کوچک و کمترین فضای ممکن.

اما جایگاه و نقش باغ در ترکیب مینیاتورهای ایرانی به مثابه اصلی‌ترین عنصر بصری در ساختار و کلیت این

هنر می‌تواند مورد ارزیابی قرار گیرد. در نگاه نخستین به یک مینیاتور با طبیعت دلنشینی روبه‌رو هستیم که هنرمند با شیوه‌ای نمادین از اجزایی همچون کوه و صخره، ابر و آسمان، درخت و درختچه (سرو - چنار)، بوته‌ها و شکوفه‌های الوان با ظرافت و زیبایی تمام، ترسیم کرده است تا محیطی شاداب و لطیف و شاعرانه را برای بیننده فراهم سازد. برای نمایش طبیعتی چنین زیبا و رؤیایی، نگارگران ما از حداکثر خلاقیت و مهارت خود بهره می‌گیرند تا با استقرار صحیح و اصولی این عناصر، باغی بهشت‌گونه بیافرینند در خور ادراک معنوی.

سابقه چنین تفکری (ایجاد عالم ملکوتی) از زمانهای کهن همراه اسطوره‌ها و ادیان آسمانی وارد تفکر فلسفی ما شده و بخشی از فرهنگ هنری ما را شکل داده است. این سنت و اعتقاد دینی در طی تاریخ به یک نظام قابل قبول در باغ‌سازی و باغ‌آرایی نگارگری تبدیل شده است.

از سوی دیگر گل و گیاه و طبیعت به عنوان عناصر اساسی و تزیینی اجتناب‌ناپذیر همواره در هنر مینیاتور موقعیت خود را حفظ کرده‌اند.

در نگاه دوم می‌بینیم که باغ در مینیاتور ایرانی تأکیدی است بر ستایش طبیعت زیبا (گل و گیاه و طبیعت) در فضاهای کوچک مینیاتوری با در نظر گرفتن باورها و اسطوره‌ها و تفکرات دینی و معنوی در واقع تمثیل بهشت است. این باغ زمانی در قالبی‌های ایرانی نمایان می‌شود و زمانی دیگر در نقوش اسلیمی و ختایی و گل‌های شاه‌عباسی کاشی‌ها؛ و گاه در گچ‌بریهایی که با نظم خاص چیده شده‌اند. به هر تقدیر کشف زیبایی‌شناسی مینیاتور قبل از هر عنصر تعیین‌کننده به شکوه «باغ» باز می‌گردد. و نهایتاً به نوعی همگامی با طبیعت و مضمون و محتوای ادبی و شاعرانه کمک می‌کند.

وجود طیف‌های رنگی و استفاده از رنگ‌های شاد و متضاد در آفرینش چنین فضایی حاصل ذوق و مهارت خوب هنرمندان است. صحنه‌پردازی بسیار رؤیایی و دل‌انگیز در کل فضای مینیاتور بدون دخالت نماها و منظرهای علمی به گونه‌ای معنویت هنر ایرانی ختم می‌شود.

نکته قابل توجه در ترسیم باغ این است که هر چند

که طبیعت در مینیاتور ایرانی تقلید صرف نیست و هنرمند می‌کوشد تا برداشتی متفاوت از عناصر طبیعی را در نقاشی خود متجلی سازد اما دریافت بیننده از این باغ و فضا به برداشتی کاملاً طبیعی و تأثیرگذار است. همان نشاطی که از دیدن باغی طبیعی به ما دست می‌دهد دیدن باغ مینیاتور برای بیننده پدید می‌آورد.

در این جا دیگر باغ در مینیاتور مظهر زندگی و جاودانگی است و زیستن بی‌حضور باغ حیاتی بی‌معنی است. یعنی حذف طبیعت از حیات. طبیعتی که سرشار از روح معنویت و صفاست. پس باغ پیوند میان سرشت طبیعی و معنوی ایرانیان با جهان محسوس و مادی است. هنرمندان ایرانی با زیبایی تمام توانسته‌اند این پیوند و ارتباط میان دل و درون و جهان بیرونی را برقرار سازند.

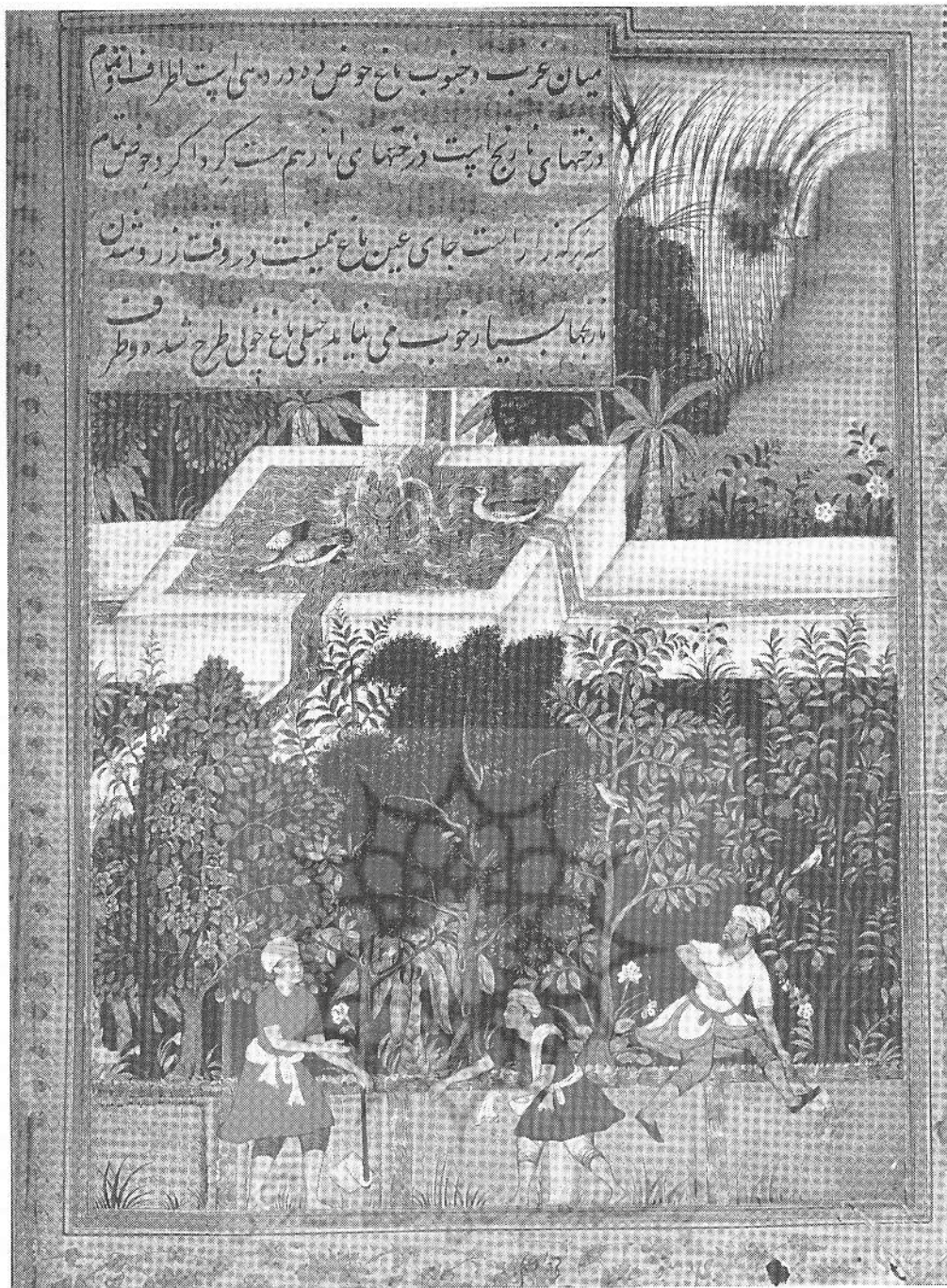
کلام آخر این که باغ ایرانی «باغ آرزوهاست»، نمایش نمادین و تمثیلی یک مکان رازآمیز برداشتی ماهرانه از طبیعت خدا برای آفریدن طبیعتی دیگر برای خلق خدا.

نمایش و توصیف باغ در یک مینیاتور

مینیاتور «مجلس مباحثه» دارای هفده صورت یا چهره (هفده پرسوناژ)، براساس مکتب هرات. اثر استاد حسین صفوی، سال ۱۳۲۰ شمسی.

در این اثر زیبا و خیال‌انگیز، هنرمند سعی کرده است تا اصول و ویژگی‌های مکتب هرات را به دقت مورد نظر قرار دهد. اجرای دقیق معماری ساختمان یا کوشک با تمام جزئیات و ریزه‌کاریها توسط هنرمند بیانگر توانمندی هنری اوست.

استفاده از نقوش بسیار جذاب و دلنشین برای ساخت و ساز کاشی‌ها و به کارگیری نقوش کره (مشبک) در تعبیه در و پنجره‌ها با طراحی بسیار عالی و در خور توجه صورت گرفته است. هنرمند در جای جای ساختمان بویژه در کتیبه درها و کاشیها از نقوش سنتی و تزیینی کاملاً بهره برده است. رنگ‌بندی استادانه و پخته و بغایت در کاربرد رنگها و بالاخره ترکیب رنگ‌های متضاد اصل انکارناپذیر در آراستن باغ مینیاتور است. درهای ورودی و پنجره‌ها با نقوش خاتم نقاشی شده‌اند و هنرمند از هنر تشعیر در القاء ظرافت‌های خاص مینیاتور بهره گرفته‌است.



میان غرب و جنوب باغ حوض در دره سی است اطراف انبوم
 درختهای نارنج است درختهای نارنج است کردا کرد و جوی
 سر که زار است بجای عین باغ عینیت در وقت زار و شاد
 نارنج بسیار خوب می نماید پسلی باغ چوئی طرح شده و طرح

مقاله علمی و آموزشی

چشمه‌ای زلال از لا به لای درختان و چمنزار به سوی کوشک روان است. درختان پرشکوفه یادآور بهار جاویدان در این باغ خیال‌انگیز هستند. رنگهای متضاد سبز، قرمز و... جذابیت فضا را افزوده‌اند. این نمایش عالم ملکوتی یا باغ خیالی هنرمند است که با ایجاز کامل صورت گرفته است.

کانون پرده عمدتاً و تعمداً به یک اندازه ترسیم شده‌اند. چهره‌ها حالات رفتاری و روان‌شناسانه از خود بروز می‌دهند. لباس‌ها از رنگ‌های یکدست و تزیینات مناسب نشان دارند. در قسمت بالایی مینیاتور، در انتهای زمینه بلافاصله بعد از کوشک یا ساختمان تکه‌ای به وسعت تقریباً یک دوم تابلو اختصاص به نمایش باغی دلنشین و باصفا دارد. آسمان با قطعه‌ای طلاکاری یا طلااندازی مشهود است. آسمانی یا ابرهای آبی سفید، ابرجینی که در گوشه‌ای از آسمان پدیدار شده‌اند.

دشت و دمن از انواع گل و بوته و ریحان و درخت پوشیده شده، گل‌هایی که گاه در طبیعت نیز وجود ندارند و ساخته و پرداخته ذهن خلاق هنرمند ایرانی هستند.

عدم استفاده از پرسپکتیو علمی به عنوان اصل اساسی مینیاتور اصیل ایرانی کاملاً به چشم می‌خورد. همچنین فضای دو بعدی اثر نشانگر ماندگاری این ویژگی مینیاتوری است. استفاده از نوعی پرسپکتیو خطی یا طبقه‌بندی (قرار گرفتن پرسوناژها در چند ردیف پی در پی افقی) به ایجاد نوعی بُعد و عمق کمک می‌کند، و سرانجام مجموع این عوامل نوعی تعادل در سطح را در تمامی اثر پدید می‌آورند، و عالم ملکوتی مورد نظر هنرمند را فراهم می‌سازند. وجود عناصر سازنده اشیاء و عناصر و سپس انسان به عنوان پرسوناژ اصلی، حضور یک شخصیت برتر در مرکز یا کانون اثر (مینیاتور) بیانگر ویژگی مکتب مینیاتور هرات است. اندازه و ابعاد اشخاص علی‌رغم دوری و نزدیکی به